

گزارش ۳

حسام کمالی

موازی کاری «جی‌نف» و «نشانی» با سامانه املاک و اسکان

عرفان محمدخانی، کارشناس حوزه اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید سامانه املاک و اسکان تنها سامانه ارائه خدمت اتصال کدملی به

کدپستی است؛ سامانه‌های موازی باید حذف شوند تنها متولی اصلی اجرای پروژه اتصال کدملی به کدپستی و ارائه این خدمت به صورت رایگان بسه مردم، طبق قوانین کشور، سامانه املاک و اسکان است و سامانه نشانی و جی‌نف باید از دسترس خارج و کنار گذاشته شوند.

■ ■ ■

یکی از سامانه‌های حیاتی در زمینه تکمیل اطلاعات حوزه مسکن و تحقق نظام حکمرانی داده‌محور و دولت الکترونیک، سامانه املاک و اسکان است. این سامانه کلیدی به موجب ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم برای شناسایی خانه‌های خالی، ارائه خدمات رایگان اتصال کدپستی به کدملی و همچنین انجام رایگان سرشماری نفوس و مسکن ایجاد شده است و نقشی راهبردی در تعادل بخشیدن به بازار مسکن در کلاخ‌های کشور با عرضه خانه‌های خالی دارد.

با وجود اهمیت این سامانه، هنوز برخی دستگاه‌ها، همکاری لازم را برای تکمیل شدن اطلاعات مردم و افزایش خوداظهاری مردم در این سامانه انجام نداده‌اند. با این وجود طی سال اخیر، این همکاری دستگاه‌ها با این سامانه از مسیر پیگیری مجلس شورای اسلامی به سمت تکمیل شدن رفته است. طبق آخرین آمارهای اعلام‌شده، میزان خوداظهاری کاربران در سامانه املاک و اسکان رشد چشمگیری داشته است و با توجه به اینکه ثبت اطلاعات در این سامانه کمتر از دو دقیقه زمان می‌برد، استقبال از آن افزایش یافته است. بنابراین با پیگیری مجلس و اجرای صحیح قانون ازسوی دولتی‌ها، شاهد رشد و تکمیل خوداظهاری مردم هستیم.

حسین عبدالهی، مدیر سامانه املاک و اسکان در این زمینه اعلام کرد: در حال حاضر، رکورد تعداد خوداظهاری‌های روزانه در سامانه شکسته شده و از حدود ۱۰۰ هزار به ۱۸۵ هزار مورد رسیده است که این امر افزایش ۸۵درصدی را نشان می‌دهد. این روند رو به افزایش است و اطلاع‌رسانی‌ها در حال انجام است. موضوعی مهمی که خلاف مسیر قانون و در راستای درم‌دزایی بیشتر برخی دستگاه‌های خاطی نظیر سازمان ثبت اسناد و شرکت ملی بست شاهدن آن بودیم؛ موازی کاری این دستگاه‌ها در بالا آوردن سامانه موازی با سامانه املاک و اسکان است که کمیسیون اصل نود مجلس سریعاً مخالفت خود را با این سامانه‌های جدید و خلاف قانون که به دنبال هزینه‌تراشی برای جیب مردم بودند؛ مقابله کرد و حتی کمیسیون اصل نود در نامه‌ای به وزارت کشور و وزارت ارتباطات، خواستار پایین آوردن دو سامانه موازی کار با سامانه املاک و اسکان یعنی سامانه نشانی ثبت اسناد و سامانه جی‌نف وزارت ارتباطات شده است و این سامانه‌ها طبق قانون نه تنها تخطف کرده‌اند و هزینه اضافه‌ای از بیت‌المال برای ایجاد این دو سامانه به غلط خرج شده است، بلکه با توجه به موازی کاری در ماهیت این سامانه‌ها و تخلف محرز شده در اجرای قانون، باید از دسترس خارج شوند و سایت نیز پایین بیاید.

بنابراین تنها متولی اصلی اجرای پروژه اتصال کدملی به کدپستی و ارائه این خدمت به صورت رایگان به مردم، طبق قوانین کشور، سامانه املاک و اسکان است و سامانه نشانی و جی‌نف باید از دسترس خارج شوند و کنار گذاشته شوند.

■ **سامانه‌های موازی املاک و اسکان باید حذف شوند**

محمدخانی با اشاره به نقش کلیدی سامانه املاک و اسکان در تکمیل نظام حکمرانی داده‌محور خاطر نشان کرد: در دهه گذشته، یکی از چالش‌های اصلی بازار مسکن ایران، نبود شفافیت در اطلاعات مالکیت، سکونت و عرضه بوده است. میلیون‌ها واحد مسکونی خالی از سکنه، درحالی احتکار شده‌اند که بخش قابل توجهی از جامعه درگیر اجاره‌نشینی پرهزینه یا کمبود مسکن است. سامانه املاک و اسکان با هدف پایان دادن به این چرخه ناسالم طراحی شد. این سامانه با شناسایی دقیق خانه‌های خالی، زمینه اجرای مؤثر قانون مالیات بر خانه‌های خالی را فراهم می‌سازد تا هزینه احتکار و نگهداری واحدهای مسکونی بلااستفاده برای مالکان بالا رود و عرضه به بازار افزایش یابد. تجربه کشورهای مانند کانادا و کره‌جنوبی نشان داده، مالیات بر خانه‌های خالی یکی از مؤثرترین ابزارها برای بازگرداندن تعادل به بازار مسکن است، مشروط بر آنکه داده‌های سکونتی و مالکیتی دقیق وجود داشته باشد. در کشور ما نیز مسئولیت تهیه این داده‌ها به سامانه املاک و اسکان سپرده شده است، لذا استمرار و تقویت این سامانه، پیش‌نیاز سیاستگذاری مؤثر در بازار مسکن محسوب می‌شود.

وی با اشاره به رشد خوداظهاری مردمی با تحقق همکاری بین دستگاهی خاطر نشان کرد: در آغاز راه‌اندازی سامانه املاک و اسکان، یکی از چالش‌های اصلی، ضعف همکاری برخی دستگاه‌های اجرایی و همچنین کم‌توجهی عمومی نسبت به ضرورت ثبت اطلاعات بود. با این حال، در طول یک سال اخیر و به‌ویژه با پیگیری مستمر مجلس شورای اسلامی، این وضعیت به شکل محسوس‌ی بهبود یافته است. طبق گزارش‌های رسمی، میزان خوداظهاری شهروندان در این سامانه رشد چشمگیری داشته و ثبت اطلاعات سکونتی، خانوادگی و مالکیتی به مرز ۸۰ میلیون نفر رسیده است. نکته حائز اهمیت آن است که فرایند ثبت اطلاعات در این سامانه کمتر از دو دقیقه زمان می‌برد و به‌صورت کاملاً رایگان انجام می‌شود. این امر نه‌تنها سهولت دسترسی مردم را افزایش داده، بلکه اعتماد عمومی نسبت به اهداف این سامانه را نیز تقویت کرده است.

این کارشناس اقتصادی در ادامه افزود: با وجود پیشرفت‌های قابل توجه سامانه املاک و اسکان، برخی دستگاه‌های اجرایی با اقداماتی مغایر با قانون و در تضاد با اهداف ملی دولت الکترونیک، اقدام به ایجاد سامانه‌های موازی کرده‌اند. از جمله این موارد می‌توان به سامانه نشانی وابسته به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و سامانه جی‌نف تحت نظر وزارت ارتباطات کشور اشاره کرد. این سامانه‌ها نه‌تنها هزینه‌های اضافی از بیت‌المال را به کشور تحمیل کرده‌اند، بلکه موجب سردرگمی شهروندان و تضعیف کارکرد یکپارچه سامانه املاک و اسکان شده‌اند. در حالی که قانون، به‌صراحت وزارت راه‌وشهرسازی را متولی اصلی اجرای طرح اتصال کدپستی به کدملی و مدیریت داده‌های سکونتی تعیین کرده، اقدام این دستگاه‌ها نوعی تخلف محرز محسوب می‌شود. افزون بر این، راه‌اندازی سامانه‌های غیرقانونی مذکور عملاً موجب شده برخی خدمات عمومی به‌صورت غیر رایگان و با دریافت هزینه از مردم ارائه شود که این موضوع خلاف روح عدالت اجتماعی و صریح قانون است.

وی در رابطه با لزوم توقف کامل سامانه‌های موازی کار در راستای جلوگیری از تداوم تخلف در اجرای قانون، اظهار نظر کرد: در برابر این تخلفات آشکار، مجلس شورای اسلامی و به‌ویژه کمیسیون اصل نود، موسعی قاطع و صریح اتخاذ کرده‌اند. کمیسیون اصل نود با بررسی دقیق مستندات، رسماً اعلام کرد، راه‌اندازی سامانه‌های موازی، مغایر با قانون بوده و موجب اتلاف منابع عمومی کشور شده است. در همین راستا، کمیسیون با ارسال نامه‌ای رسمی به وزارت کشور و وزارت ارتباطات، خواستار توقف کامل فعالیت و خارج شدن از دسترس دو سامانه متخلف یعنی سامانه نشانی ثبت اسناد و سامانه جی‌نف وزارت ارتباطات شده است. این اقدام کمیسیون را می‌توان نقطه عطفی در مسیر بازگشت به حاکمیت قانون در حوزه دولت الکترونیک دانست. تصمیم مجلس نه‌تنها برای جلوگیری از تکرار هزینه‌های غیر ضروری در دستگاه‌ها حیاتی است، بلکه پیام روشنی به همه نهاده‌ها مخابره می‌کند که اجرای قانون و هماهنگی در داده‌های ملی، خط قرمز نظام حکمرانی هوشمند است.

این کارشناس اقتصادی در پایان با اشاره به لزوم تمکین همه دستگاه‌های اجرایی به قانون گفت: تکمیل و به‌روزرسانی سامانه املاک و اسکان، کشور وارد مرحله‌ای تازه از حکمرانی هوشمند و شفاف خواهد شد. داده‌های این سامانه می‌تواند به پشتوانه‌ای راهبردی برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی و شهری تبدیل شود. در حوزه مسکن، اطلاعات این سامانه امکان برنامه‌ریزی دقیق برای ساخت‌وساز، تعیین اولویت‌های تسهیلاتی، کنترل سوداگری و حتی سیاستگذاری در حوزه اجاره‌بها را فراهم می‌آورد. در حوزه مالیات، این سامانه پایه‌ای برای عدالت مالیاتی واقعی و جلوگیری از فرار مالیاتی خواهد بود. در بعد اجتماعی نیز با اتصال داده‌های سکونتی به پایگاه رفاه ایرانیان و سامانه‌های حمایتی، عدالت در توزیع منابع و خدمات دولتی به‌صورت هدفمندتر محقق می‌شود. آینده حکمرانی در ایران ناگزیر مبتنی بر داده است و سامانه املاک و اسکان، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق این آینده است.

یک‌بار دیگر ایده انتقال آب مطرح شده است، مبدأ این انتقال همان مبدأ قبلی است، دریای عمان یا احتمالاً خلیج فارس اما مقصد جدید است، تهرانی که در یکی، دو ماه گذشته با موضوع انتقال پایتخت و اخیراً تخلیه آن مواجه بود، حالا سوزّه جدید پروژه‌های انتقال آب شده است. علی‌اب‌العلی‌زاده، نماینده رئیس‌جمهور در هماهنگی اجرای سیاست‌های کلی توسعه دریامحور، از تکمیل بزرگ‌ترین پروژه آبی کشور خبر داده و می‌گوید: انتقال پایتخت از دستور کار دولت خارج شده و تصمیم قطعی بر این است که چالش‌های آبی و زیست‌محیطی تهران در محل فعلی و با استفاده از فناوری‌های نوین و مدیریت علمی منابع بر طرف شود. کنشگران معتقدند، انتقال آب به پایتخت علاوه بر هزینه هنگفت، با مشکلات زیست‌محیطی همراه است که باید چاره‌اندیشی شود. آیا در کشور «سند

سازگاری با کم‌آبی» نداریم؟ آیا با انتقال آب از نقاط مختلف به تهران، مسائل کم آبی پایتخت حل شده است؟ متأسفانه برای کاهش هدر رفت آب در شبکه‌های فعلی سرمایه‌گذاری نمی‌کنیم اما آماده‌یم میلیاردها دلار صرف انتقال آب از جنوب کشور کنیم. تجربه ما از هر طرح انتقال آب این بوده که مصرف آب بهینه نشده بلکه برعکس منجر به افزایش تقاضای آن شده است. ■ ■ ■

کشوری که روزگاری سرزمین قنات‌ها بود، حالا در میانه بحران آب، سایهٔ رجمی تمام، ذخایر زیرزمینی‌اش را می‌بلعد. تقریباً سالانه نزدیک به ۱۰۵ میلیارد مترمکعب آب در کشور ما غیر بهینه مصرف می‌شود، حدود ۹۰ میلیاردمترمکعب در کشاورزی، ۱۰ میلیاردمترمکعب در مصرف شرب و حدود ۵میلیاردمترمکعب در مصرف صنعتی این وضعیت را دارد، در مصارف کشاورزی بین ۴۰ تا ۶۰ درصد آب وجود دارد، فقط اگر ۲۰ درصد از مصرف آب کشاورزی را بهینه کنیم سالانه ۲۷۵میلیارد متر مکعب آب به دست خواهیم آورد. همچنین شبکه‌های توزیع آب شرب در کشور ما به دلیل فرسوده بودن، به‌طور متوسط ۳۰درصد تلفات دارند، اگر این شبکه‌ها را به‌روز کنیم چیزی حدود ۳میلیارد متر مکعب آب شرب ذخیره خواهیم داشت، حالا در شرایطی هدر رفت آب بالاست، آیا

گزارش ۲

سعیده زمانی

اقتصاد

سرویس اقتصادی ۶۰۰۸۸۵۳۳

دولت اتلاف آب در شبکه توزیع رانمی‌بیند

سرمایه‌گذاری برای کاهش هدررفت آب در شبکه‌های فعلی نمی‌کنیم اما آماده‌یم میلیاردها دلار صرف انتقال آب از جنوب کشور کنیم!



احمدریاحی دمکردی ابرتا

مطمئن تر است که ما به سمت بهینه‌سازی مصرف آب می‌رویم یا به‌سمت پروژه‌های انتقال آب از دریای عمان یا خلیج فارس؟

■ **روایای انتقال آب از جنوب به پایتخت**

با روی کار آمدن دولت‌های مختلف، هر بار بحث انتقال آب از دریای عمان می‌سا خلیج‌فارس مطرح می‌شود. عمده این طرح‌های انتقال آب دریا تا به امروز به فلان منطقه مرکزی بودند اما این روزها مقصد تازه‌ای برای انتقال آب دریا مطرح است و آن،

کلاشهر تهران است. سیاستگذاران این بار هم به جای مدیریت بحران، رؤیابرفشی می‌کنند. استاندارد تهران، اوایل امسال از انتقال آب دریای عمان به تهران خبر داده و می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در دولت چهاردهم در دستور کار قرار گرفته، تأمین منابع آب در سسه مقطع کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است. در

برخی تر است که ما به سمت بهینه‌سازی مصرف آب می‌رویم یا به‌سمت پروژه‌های انتقال آب از سد لار و اجرای

خط دوم از سد طلائف و تکمیل رینگ قمر

بنی‌هاشم در دستور کار است که عملاً نقش تعادل‌بخشی در توزیع آب در استان تهران و

شهرستان‌های آن را دارد. در مقطع بلندمدت، انتقال آب از دریای عمان برای استان‌های کم‌آب

و استان تهران در نظر گرفته شده که مطالعات آن آغاز شده و با ورود بخش خصوصی و حمایت دولت این کار صورت خواهد گرفت.»

در کمتر از هشت‌ماه، تصمیمات کوتاه و میان‌مدت دولت تقریباً شکست خورد و اکنون حکمرانی آب در کشور به دنبال پیاده‌سازی تصمیم بلند مدت برای عبور از بحران کم‌آبی تهران است.

اخیراً علی‌اب‌العلی‌زاده، نماینده رئیس‌جمهور در هماهنگی اجرای سیاست‌های کلی توسعه دریامحور، از تکمیل بزرگ‌ترین پروژه آبی کشور خبر داده و می‌گوید: پروژه انتقال آب خلیج فارس

به تهران با طول هزار کیلومتر به‌دست متخصصان داخلی اجرا شده و هم‌اکنون تنها منبع مطمئن

تأمین آب پایتخت به شمار می‌آید.

وی می‌افزاید: انتقال پایتخت از دستور کار دولت خارج شده و تصمیم قطعی بر این است که چالش‌های آبی و زیست‌محیطی تهران در محل فعلی و با استفاده از فناوری‌های نوین و مدیریت علمی منابع بر طرف شود.

عبدالعلی‌زاده ادعا می‌کند این تصمیم، تغییری بنیادین در نگاه توسعه‌ای کشور است که به‌عنوان جابه‌جایی بحران، به دنبال مدیریت هوشمند منابع در دسترس شهری است. تجربه نشان می‌دهد، انتقال آب، از نقطه‌ای به نقطه دیگر، علاوه بر هزینه بر بودن و افزایش تقاضا تنش‌های زیست‌محیطی، با مناقشات و تنش‌های اجتماعی همراه بوده و شکست خورده است.

■ **چالش‌های پیش روی انتقال آب از جنوب به تهران**

عباس موسوی، پژوهشگر سیاست‌های آب و انرژی در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران «جوان»، در خصوص چالش‌های پیش‌روی انتقال آب از جنوب به تهران می‌گوید: علاوه بر بحث‌های زیست‌محیطی این پروژه هزینه بسیار بالایی دارد که اقتصادی نیست. وی می‌افزاید: همه می‌دانند خلیج فارس اصلاً ظرفیت تخلیه نمک حاصل از آب‌شیرین‌کن‌ها را ندارد. باید هزینه بسیار زیادی شود تا بر اساس استانداردهای سازمان محیط‌زیست، در دریای عمان و در عمق مثلاً چندصد متری تخلیه شود. فرض را بر این بگذاریم این کار انجام می‌شود که ما به همین هم شک داریم، چون عربستان و کشورهای جنوب خلیج‌فارس هم دارند همین کار را انجام می‌دهند.

هزینه‌های اینها را چه کسی پاسخگوست؟

وی تأکید می‌کند: «آیا واقعاً این مسئله محاسبه شده است؟ آیا ما قصد داریم امنیت آبی کشور

را وابسته کنیم به مجموعه‌ای از خطوط لوله که ماهیت آنها و سرنوشتی که در مرحله بهره‌برداری خواهند داشت، مشخص نیست؟ ما همین حالا با کمبود انرژی مواجهیم. برق مورد نیاز برخی از سامانه‌های پمپاژ آب به حدود ۸۰۰مگاوات می‌رسد. حال پرسش اینجاست: سوخت این نیروگاه‌ها از کجا تأمین خواهد شد؟ در شرایطی که امروز با چالش تأمین انرژی روبه‌رو هستیم، می‌خواهیم حتی آب صنعتی خود را نیز وابسته کنیم به سامانه‌هایی که مبتنی بر پمپاژ و انتقال انرژی از نیروگاه‌ها هستند، نیروگاه‌هایی که خود به‌گاز وابسته‌اند و زنجیره‌ای از وابستگی‌ها را شکل می‌دهند. نمونه‌های موجود، خود گوآهند. فیزیکی می‌گوید: طرح انتقال آب به تهران که هزار باحی ۳هزار کیلومتر مسیر را در برمی‌گیرد، مشخص نیست مطالعات دقیق و جامع — به‌ویژه مطالعات اجتماعی و زیست‌محیطی — در پشت آن وجود داشته است یا نه. هم‌اکنون نیز خط لوله زاینده‌رود به یزد، به طول ۴۰۰کیلومتر، به رغم آنکه تحت فشار کامل است، چندین بار به دلیل ننازاجت اجتماعی غیر شده است. چه تضمینی وجود دارد که خطوط جدید نیز دچار همین سرنوشت نشوند؟

حذف ماده ۵۰برنامه هفتم توسعه با انتقادات گسترده‌ای مواجه شده است

قفل تازه بر زمین و مسکن

کارشناسان هشدار می‌دهند، حذف ماده ۵۰، موتور رانت و زمین‌خواری را دوباره روشن و آینده مسکن را مبهم می‌کند

عدالت اداری، اجرای احکام قانونی و جریمه‌های خود را متوقف کرده‌اند.

محمدرضایضایی‌کوچی با اشاره به بررسی نحوه اجرای احکام برنامه هفتم توسعه از سوی دولت گفت: عملکرد وزارت راه در اجرای احکام برنامه هفتم متفاوت بوده و در برخی بخش‌ها عملکرد متوسط و در برخی بخش‌ها بسیار ضعیف بوده است. رئیس کمیسیون عمران درباره ارزیابی کلی عملکرد دولت در نمره مسکن گفت: اگر بخواهیم بر اساس واقعیت نمره بدیم، دولت در حوزه مسکن نمره ۱۰ از ۱۰ است و این را مردم بگویند که آیا این عدد نمره قبولی است یا خیر؛ اجرای برنامه هفتم نیازمند هماهنگی، جدت و پاسخگویی است و امیدواریم در سال آینده در این زمینه عملکرد بهتری را شاهد باشیم.

■ **شفاف‌سازی و آزادسازی زمین اولویت سیاست‌مسکنی دولت باشد**

حذف ماده ۵۰ برنامه هفتم توسعه، نه صرفاً یک تغییر فنی در متن قانون، بلکه نشانه‌ای از عقب‌نشینی دولت از یکی از مهم‌ترین تعهدات خود در حوزه مسکن است. ماده‌ای که می‌توانست با افزایش ۳۳۰ هزار هکتار به محدوده شهرها، انحصار زمین را بشکند، عرضه را افزایش دهد و زمینه شفافیت و پاسخگویی در سیاستگذاری شهری را فراهم کند.

اکنون با حذف این ماده، نگرانی کارشناسان و نمایندگان مجلس دوچندان شده است زیرا نبود سقف و برنامه مشخص برای توسعه شهری، عملاً دست دولت را برای تصمیم‌گیری‌های غیر شفاف باز می‌گذارد و در عوض، مسیر رانت، زمین‌خواری و سوداگری را هموار می‌کند. بازار مسکن امروز بیش از هر زمان دیگری به سیاست‌های شفاف، عدالت‌محور و مبتنی بر عرضه واقعی زمین نیاز دارد. هر گونه عقب‌نشینی از قوانین مصوب و اهداف برنامه هفتم، به معنای افزایش فاصله مردم از خانه‌دار شدن، تداوم بحران اجاره و تشدید ناراضیاتی اجتماعی خواهد بود. اگر دولت چهاردهم قصد دارد اعتماد عمومی را بازسازی کند، باید با اجرای دقیق احکام قانونی، به‌ویژه ماده ۵۰، زمین را از انحصار خارج کرده و شفافیت را به قلب سیاستگذاری مسکن بازگرداند.



علی پورمحمدان

از رانت و تراکم بی‌رویه جلوگیری شود. ■ **حذف ماده ۵۰ ناشی از درک نادرست از تا‌امکان نظارت و مالکیتی به مرز ۸۰ میلیون نفر رسیده است. نکته حائز اهمیت آن است که فرایند ثبت اطلاعات در این سامانه کمتر از دو دقیقه زمان می‌برد و به‌صورت کاملاً رایگان انجام می‌شود. این امر نه‌تنها سهولت دسترسی مردم را افزایش داده، بلکه اعتماد عمومی نسبت به اهداف این سامانه را نیز تقویت کرده است.**

حذف ماده ۵۰ برنامه هفتم پیشرفت بود؛ ماده‌ای که بر اساس آن، مقرر شده بود ۰۲درصد از دست

کشور معادل ۳۳۰هزار هکتار به محدوده شهرها و روستاها اضافه شود تا انحصار زمین از دست دولت خارج و عرضه زمین برای ساخت‌وساز تسهیل شود. وی شفافیت، قانون‌گذاری روشن در جریم شهرها و مدیریت زمین‌های دولتی و خصوصی بر پایه عدالت و قواعد ضدفساد را به عنوان راهکار برون رفت از وضعیت فعلی عنوان کرد. ■ **اجرای درست ماده ۵۰ سهم ۶۵درصدی مسکن از هزینه‌ها را کاهش می‌دهد**

در رسید هزینه خنوار، سهم مسکن بین ۵۵ تا

۶۵درصد است و هزینه اجاره یا خرید مسکن

معمولاً ۱۰ تا ۱۸ درصد است که بر اساس ماده

۵۰ و نیز ماده ۴ قانون جهش تولید مسکن، الحاق

زمین و پرداخت تسهیلات می‌توانست بخش

مهمی از این مشکلات را حل کند.

مجتبی یوسفی، عضو کمیسیون عمران مجلس

در این‌باره گفت: در بررسی‌های اخیر، وزارت

راه‌وشهرسازی گزارشی از روند اجرای احکام ارائه

کرد که در آن، موضوع حذف و اصلاح برخی مواد

مطرح بود. مهم‌ترین سوزری که موجب نگرانی

نمایندگان و کارشناسان شد، حذف ماده ۵۰

و گذاری آن به مردم، مطالبه جدی نمایندگان